

Comparative Analysis of the Enforcement of Violations of the Defendant's Defense Rights in the Preliminary Investigation Stage in Iranian and French Criminal Law

Samira Karimi¹, Akbar Varvaei^{2*}, Ruhollah Sepehri¹

1- Department of Law, Nar.C., Islamic Azad University, Naragh, Iran

2*- Professor, Department of Law, Amin University of Law Sciences, Tehran, Iran

ABSTRACT

The present article provides a comparative analysis of the enforcement mechanisms addressing violations of the defendant's defense rights during the preliminary investigation stage in the criminal justice systems of Iran and France. The preliminary investigation stage, as the most sensitive phase of criminal proceedings, constitutes the primary framework for evidence collection and decisions that may restrict individual liberty, and any violation of defense rights at this stage can undermine the legitimacy of the entire trial process. Using a descriptive-analytical and comparative approach, this study examines the provisions of the Iranian Code of Criminal Procedure (2013) and the French Code of Criminal Procedure, evaluating enforcement mechanisms in two categories: procedural safeguards (such as the nullification of investigations and exclusion of unlawfully obtained evidence) and personal accountability (including criminal, civil, and disciplinary liability of investigative authorities). The findings indicate that while fundamental principles such as the presumption of innocence, the right to counsel, and the right to be informed of the charges are recognized in both systems, France—through developed judicial practice and effective supervisory mechanisms—offers more efficient enforcement of these rights. In contrast, in Iran, despite protective provisions, the practical implementation of some enforcement measures faces challenges. The article proposes recommendations to strengthen judicial oversight, expand the scope for nullifying unlawfully obtained evidence, and ensure more effective access to counsel, thereby enhancing legislative and judicial criminal policy in safeguarding the defense rights of defendants.

Keywords:

Defendant's defense rights, preliminary investigation, enforcement mechanisms, exclusion of evidence, Iranian Code of Criminal Procedure, French Code of Criminal Procedure

Article Type: Research Article

How to Cite: Karimi, S., Varvaei, A. and Sepehri, R. (2026). Comparative Analysis of the Enforcement of Violations of the Defendant's Defense Rights in the Preliminary Investigation Stage in Iranian and French Criminal Law. *Journal of Cyber Law (JOCL)*, 3(1), 153-176.
doi: 10.22054/jocl.2025.8563.1782

Journal of Cyber Law in Development and Evolution is licensed under a Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International License.

© Authors



Corresponding Author: dr.akbarvarvaei@yahoo.com

تحلیل تطبیقی ضمانت اجرای نقض حقوق دفاعی متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی در حقوق کیفری ایران و فرانسه

سمیرا کریمی^۱، اکبر وروایی^۲، روح الله سپهری^۱

۱- گروه حقوق، واحد نراق، دانشگاه آزاد اسلامی، نراق، ایران

۲- استاد گروه حقوق، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران

چکیده

مقاله حاضر به تحلیل تطبیقی ضمانت اجرای نقض حقوق دفاعی متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی در نظام حقوق کیفری ایران و فرانسه می‌پردازد. مرحله تحقیقات مقدماتی به عنوان حساس ترین بخش فرآیند کیفری، بستر اصلی شکل گیری ادله و تصمیمات محدود کننده آزادی اشخاص است و هرگونه نقض حقوق دفاعی در این مرحله می‌تواند مشروعیت کل دادرسی را مخدوش سازد. پژوهش حاضر با روش توصیفی — تحلیلی و رویکرد تطبیقی، ضمن بررسی مقررات قانون آیین دادرسی کیفری ایران مصوب ۱۳۹۲ و قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، ضمانت اجرای نقض حقوق دفاعی متهم را در دو سطح «ضمانت اجرای آیینی» (از جمله بطلان تحقیقات و عدم پذیرش ادله) و «ضمانت اجرای شخصی» (مسئولیت کیفری، مدنی و انتظامی مقام های تحقیق) مورد ارزیابی قرار می‌دهد. یافته های تحقیق نشان می‌دهد که هرچند در هر دو نظام، اصول بنیادینی همچون اصل براءت، حق دسترسی به وکیل و حق اطلاع از اتهام شناسایی شده اند، اما در نظام حقوقی فرانسه به واسطه توسعه رویه قضایی و سازوکارهای نظارتی مؤثرتر، ضمانت اجرای نقض این حقوق از کارآمدی بیشتری برخوردار است. در مقابل، در حقوق ایران با وجود پیش بینی مقررات حمایتی، اجرای عملی برخی ضمانت اجراها با چالش هایی مواجه است. مقاله با ارائه پیشنهادهایی در جهت تقویت نظارت قضایی، توسعه قلمرو بطلان ادله تحصیل شده به طور غیرقانونی و تضمین مؤثرتر حضور وکیل، به ارتقای سیاست جنایی تقنینی و قضایی در حمایت از حقوق دفاعی متهم کمک می‌کند.

کلیدواژه‌ها:

حقوق دفاعی متهم، تحقیقات مقدماتی، ضمانت اجرا، بطلان ادله، آیین دادرسی کیفری ایران، آیین دادرسی کیفری فرانسه

نوع مقاله: پژوهشی

نحوه استناد:

کریمی، سمیرا و وروایی، اکبر و سپهری، روح الله. (۱۴۰۵). تحلیل تطبیقی ضمانت اجرای نقض حقوق دفاعی متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی در حقوق کیفری ایران و فرانسه. حقوق سایبری، ۳(۱)، ۱۵۳-۱۷۶.

نشریه حقوق سایبری در توسعه و تکامل تحت مجوز کرییتیو کامنز انتساب - غیر تجاری ۴٫۰ بین المللی منتشر شده است.

© نویسندگان



ایمیل نویسنده مسئول: dr.akbarvarvaei@yahoo.com

مقدمه

تحقق دادرسی عادلانه به عنوان یکی از بنیادین ترین شاخص های حاکمیت قانون، مستلزم رعایت مجموعه ای از اصول و تضمین های آیینی است که در رأس آن ها، حمایت مؤثر از حقوق دفاعی متهم قرار دارد. این حقوق که ریشه در اصل برائت، کرامت انسانی و ضرورت توازن میان اقتدار عمومی و آزادی های فردی دارد، نه تنها در اسناد بین المللی همچون میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (ماده ۱۴) بلکه در نظام های حقوقی ملی نیز مورد شناسایی قرار گرفته است. در حقوق ایران، اصول ۳۵، ۳۷ و ۳۸ قانون اساسی و نیز مواد ۵، ۶ و ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به صراحت بر لزوم رعایت حقوق دفاعی در فرآیند کیفری تأکید دارند. در نظام حقوقی فرانسه نیز با الهام از اعلامیه حقوق بشر و شهروند ۱۷۸۹ و اصلاحات قانون آیین دادرسی کیفری، به ویژه پس از قانون ۱۵ ژوئن ۲۰۰۰، حقوق دفاعی جایگاهی محوری در مرحله تحقیقات مقدماتی یافته است.

مرحله تحقیقات مقدماتی از حیث ماهوی و کارکردی، حساس ترین مقطع دادرسی کیفری به شمار می آید؛ زیرا در این مرحله، مقام های تحقیق با بهره گیری از اختیارات گسترده قانونی، اقدام به جمع آوری ادله، بازجویی از متهم، صدور قرارهای تأمین و اتخاذ تصمیماتی می کنند که می تواند به محدودسازی یا سلب آزادی فرد منتهی شود. در عین حال، فرض برائت ایجاب می کند که متهم تا پیش از صدور حکم قطعی، بی گناه تلقی گردد. این تعارض ظاهری میان ضرورت کشف جرم و حمایت از آزادی های فردی، اهمیت تضمین حقوق دفاعی را دوچندان می سازد (آشوری، ۱۳۹۵: ۷). از همین رو، صرف شناسایی این حقوق در قوانین کافی نیست، بلکه پیش بینی ضمانت اجرای مؤثر در صورت نقض آن ها، شرط اساسی کارآمدی نظام عدالت کیفری محسوب می شود (زراعت، ۱۳۹۰: ۱۲۴).

ضمانت اجرا، عنصر تمایزبخش قاعده حقوقی از سایر قواعد اجتماعی است؛ زیرا بدون پیش بینی پاسخ های الزام آور در برابر تخلف، قواعد حقوقی به توصیه هایی اخلاقی تقلیل می یابند (دل و کیو، ۱۳۸۰: ۵۰). در حوزه دادرسی کیفری، ضمانت اجرای نقض حقوق دفاعی را می توان در دو دسته کلی تحلیل کرد: نخست، ضمانت اجرای آیینی که متوجه جریان دادرسی است و در قالب بطلان تحقیقات، بی اعتباری ادله تحصیل شده به طور غیرقانونی یا نقض رأی تبلور می یابد؛ دوم، ضمانت اجرای شخصی که متوجه مقام های ناقض حق بوده و در قالب مسئولیت کیفری، مدنی یا انتظامی اعمال می شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۶: ۶۱۲). کارآمدی هر یک از این ضمانت اجراها تأثیر مستقیمی بر میزان احترام عملی به حقوق دفاعی متهم دارد.

با وجود اصلاحات قابل توجه قانون آیین دادرسی کیفری ایران در سال ۱۳۹۲ و پیش بینی حقوقی چون حق دسترسی به وکیل، حق سکوت و حق اطلاع از اتهام، پرسش اساسی آن است که ضمانت اجرای نقض این حقوق تا چه حد از انسجام و کارآمدی لازم برخوردارند. آیا بطلان تحقیقات در صورت نقض حقوق دفاعی به صورت منسجم و گسترده اعمال می شود؟ آیا مسئولیت انتظامی یا کیفری ضابطان و مقام های تحقیق در عمل پیگیری می گردد؟ در مقابل، نظام حقوقی فرانسه با توسعه مفهوم «بطلان های آیینی» و نظارت دقیق قضایی، سازوکارهای نسبتاً پیشرفته تری برای حمایت از حقوق متهم ایجاد کرده است. رویه قضایی این کشور، به ویژه تحت تأثیر کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، نقش مهمی در گسترش دامنه بطلان ادله و تضمین حضور وکیل در تحقیقات داشته است.

ضرورت انجام پژوهش حاضر از آنجا ناشی می‌شود که بدون تحلیل تطبیقی و ارزیابی کارآمدی ضمانت اجراها، امکان اصلاح سیاست جنایی تقنینی و قضایی فراهم نخواهد شد. مطالعه تطبیقی با نظامی پیشرو مانند فرانسه، می‌تواند خلأهای احتمالی حقوق ایران را آشکار ساخته و راهکارهایی عملی برای تقویت حمایت از حقوق دفاعی متهم ارائه دهد. افزون بر این، تبیین دقیق مرز میان اصول بنیادین دادرسی و تشریفات شکلی و تعیین آثار نقض هر یک، در ارتقای انسجام نظری آیین دادرسی کیفری نقش بسزایی دارد.

بر این اساس، مقاله حاضر می‌کوشد با رویکردی تحلیلی و تطبیقی، ضمن تبیین مبانی نظری حقوق دفاعی متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی، ضمانت اجراهای پیش‌بینی‌شده در نظام‌های حقوقی ایران و فرانسه را بررسی و میزان کارآمدی آن‌ها را ارزیابی نماید و در نهایت پیشنهادهایی در جهت تقویت حمایت از حقوق دفاعی و تحقق هرچه بیشتر دادرسی عادلانه ارائه کند.

۱. اصول ماهوی حاکم بر تحقیقات مقدماتی در حقوق کیفری ایران و فرانسه

قانون‌گذار ایران تشریفات دادرسی را پیش‌بینی کرده و آن‌ها را به دو دسته مهم و غیرمهم تقسیم نموده، هرچند معیار دقیقی برای این تفکیک ارائه نکرده است. تشخیص اهمیت تشریفات عمدتاً از طریق تفسیر قضایی و به‌ویژه در آرای دادگاه‌های تجدیدنظر و دیوان عالی کشور صورت می‌گیرد. عدم رعایت تشریفات مهم می‌تواند به بی‌اعتباری رأی و نقض آن منجر شود، به‌ویژه زمانی که تخلف بر ارکان حکم اثر بگذارد؛ مانند فقدان صلاحیت، علنی نبودن دادرسی، مستدل نبودن رأی یا بی‌توجهی به ادله. در مقابل، نقض تشریفات غیرمهم معمولاً صرفاً موجب اطاله دادرسی می‌شود. قانون‌گذار برای تشریفات مهم ضمانت اجراهای انتظامی، مدنی، بطلان تحقیقات و حتی کیفری پیش‌بینی کرده است، از جمله در موارد نقض حقوق متهم در تحقیقات مقدماتی. اعتبار رأی منوط به رعایت کامل این اصول و تشریفات در تمامی مراحل دادرسی است. در نهایت، اصولی همچون اصل برائت، دادرسی عادلانه، تساوی سلاح‌ها و استثنایی بودن بازداشت موقت، بنیان تشریفات تحقیقات مقدماتی را تشکیل داده و تضمین‌کننده عدالت کیفری‌اند. (منصورآبادی و فروغی، ۱۳۹۶).

۱-۱ اصل برائت

اصل برائت، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین تضمین‌های دادرسی عادلانه، مبتنی بر کرامت ذاتی انسان و فلسفه حقوق بنیادین است و دولت موظف به شناسایی و تضمین آن‌هاست. این حقوق ذاتی، غیرقابل سلب و صرفاً قابل محدود شدن در موارد تعارض با حقوق دیگران یا مصالح عمومی است (قره‌داغی، ۱۳۹۶: ۱۹۷-۱۹۸). بر اساس این اصل، هیچ فردی صرفاً بر پایه ادعا مجرم محسوب نمی‌شود و سلب حقوق بنیادین او، از آزادی تا مالکیت و حتی حیات، تنها با اثبات قانونی جرم ممکن است (سیفی؛ روحی، ۱۳۹۱: ۵-۱۰؛ سیدفاطمی، ۱۳۹۰: ۷۷). در ایران، قانون اساسی با اصولی مانند اصل ۳۷، ۳۲ و ۳۸ و همچنین قوانین عادی مانند مواد ۵۷۰ تا ۵۸۰ قانون مجازات اسلامی و ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، تضمین‌های مهمی برای رعایت اصل برائت و حقوق متهمان فراهم کرده است.

در مرحله تحقیقات مقدماتی، اصل برائت همچنان حاکم است و هر گونه محدودیت آزادی متهم باید مبتنی بر ضرورت، دلیل موجه و نظارت قضایی باشد. فلسفه این اصل، محدودسازی اقتدار کیفری دولت و تأمین آزادی فردی است و

تضمین‌هایی همچون حق دسترسی به وکیل و حق سکوت متهم، اجرای آن را در عمل ممکن می‌سازد (قره‌داغی، ۱۳۹۶: ۱۹۸-۱۹۷). برخی مبانی فقهی و حقوقی، از جمله اصل اباحه یا قاعده درء، نیز این اصل را تأیید می‌کنند (قربان‌نیا، ۱۳۸۱: ۱۳۵؛ شمس ناتری، ۱۳۸۳: ۲۸۷).

در حقوق کیفری فرانسه، اصل براءت از اعلامیه حقوق بشر و شهروند ۱۷۸۹ ریشه گرفته و با تحولات معاصر، از جمله تصویب قانون ۱۵ ژوئن ۲۰۰۰، جایگاه خود را در مرحله تحقیقات مقدماتی تثبیت کرده است. این اصل در فرانسه منجر به محدودسازی بازداشت موقت، پذیرش قرارهای جایگزین، تضمین حق دفاع متهم و پذیرش مسئولیت دولت در برابر بازداشت‌های غیرموجه می‌شود. همچنین، ارتباط آن با اصل امنیت حقوقی و اصل شخصی بودن مجازات، نشان‌دهنده اولویت آزادی فرد بر اقتدار کیفری و تمرکز مسئولیت کیفری بر مرتکب واقعی جرم است (ماده ۱۱۶ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه).

۱-۲ اصل دادرسی عادلانه

اصل دادرسی عادلانه در هر دو نظام حقوقی ایران و فرانسه، محوریت خود را بر رعایت حقوق طرفین دعوا، به‌ویژه متهم، و ایجاد توازن میان اقتدار دولت و موقعیت متهم قرار داده است. در حقوق ایران، دادرسی عادلانه مفهومی ترکیبی است که شامل دو مؤلفه «دادرسی» به معنای رسیدگی قضایی مستقل و «عدالت» به معنای برخورداری از بی‌طرفی، برابری و رعایت حقوق طرفین می‌شود (بهمنی قاجار، ۱۳۸۶: ۴۷؛ پیشین، ص ۵۰). قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، با مواد ۱۹۰ و ۲۰۲، حق دسترسی متهم و وکیل او به پرونده و همچنین ضرورت تعیین مترجم برای افراد غیر فارسی‌زبان را پیش‌بینی کرده است، هرچند دسترسی شاکی خصوصی محدود است. رعایت حقوق دفاعی متهم، تفهیم اتهام به زبان قابل فهم و احترام به اصل براءت، از ارکان کلیدی تحقق دادرسی عادلانه در ایران به شمار می‌رود (آشوری، ۱۳۷۸: ۴۷-۶۴؛ صابر، ۱۳۸۸: ۸۹). با وجود این، برخی محدودیت‌ها و ابهام‌ها در تبیین تفهیم اتهام و حقوق شاکی خصوصی وجود دارد که تکمیل آن‌ها به دستور دادگاه و رعایت استانداردهای بین‌المللی مرتبط وابسته است (What is fair trial, 2000: 8).

در نظام فرانسه، اصلاحات متعدد در قانون آیین دادرسی کیفری و رویه قضائی، تمرکز بر برابری میان طرفین دعوا و کاهش قدرت مطلق دادرس در مرحله تحقیقات مقدماتی داشته است. اصل سری بودن تحقیقات مقدماتی همچنان حاکم است و دسترسی مستقیم طرفین به پرونده محدود است، اما اصلاحات ماده R165 آیین‌نامه و قانون ۱۵ ژوئن ۲۰۰۰ امکان درخواست رونوشت رایگان پرونده و تعیین مترجم برای متهمان و بزه‌دیدگان غیر فرانسوی‌زبان و ناشنوا را فراهم کرده است (Gassain, R., 1995: 106؛ ساقیان، ۱۳۸۵: ۸۸) همچنین، رویه دیوان عالی فرانسه تحت تأثیر دیوان اروپایی حقوق بشر، اصل برابری سلاح‌ها را به رسمیت شناخته و دسترسی طرفین به پرونده را حتی بدون حضور وکیل امکان‌پذیر کرده است (آشوری، ۱۳۸۳، ج ۲: ۱۴).

با مقایسه دو نظام، می‌توان گفت هر دو بر استقلال و بی‌طرفی دادگاه و رعایت حقوق دفاعی متهم تأکید دارند، اما تفاوت‌هایی نیز دیده می‌شود. در ایران، محدودیت‌هایی در دسترسی شاکی خصوصی و تفهیم اتهام وجود دارد، در حالی که در فرانسه، با اصلاحات اخیر، اصل برابری سلاح‌ها و دسترسی کامل طرفین به پرونده به شکل گسترده‌تری رعایت شده

است. هر دو کشور حق استفاده از مترجم برای کسانی که زبان دادرسی را نمی‌دانند پیش‌بینی کرده‌اند، و هدف نهایی هر دو، ایجاد توازن میان قدرت دولت و حقوق طرفین و تضمین محاکمه منصفانه است (بهمنی قاجار، ۱۳۸۶؛ Gassain, R., 1995). این تطبیق نشان می‌دهد که تحقق دادرسی عادلانه نه تنها مستلزم رعایت حقوق مدنی و دفاعی متهم است، بلکه نیازمند اصلاحات قانونی و رویه قضائی است که بر دسترسی متهم و شاکی و برابری موقعیت آنان تأکید داشته باشد.

۱-۳ اصل تساوی سلاح‌ها

اصل تساوی سلاح‌ها به معنای برابری حقوق و قدرت دفاعی طرفین دعوا است و از اصول مقدماتی دادرسی عادلانه محسوب می‌شود. این اصل، هرچند در قوانین ایران به صراحت ذکر نشده، به‌طور ضمنی در مقررات آیین دادرسی کیفری و برخی قوانین تکمیلی برای حمایت از متهم پیش‌بینی شده است. در مقابل، در فرانسه، این اصل تحت تأثیر کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و رویه قضائی دیوان اروپایی حقوق بشر، با تصویب قانون ۱۵ ژوئن ۲۰۰۰ و اصلاحات پیشین، به‌طور نسبتاً صریح در مرحله تحقیقات مقدماتی به رسمیت شناخته شده است. (Berger, 2007; Sudre, 2007).

در نظام حقوقی ایران، حق داشتن وکیل مدافع در تحقیقات مقدماتی برای متهم، ابتدا در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۲۹۰ پیش‌بینی نشده بود. اصلاحات سال ۱۳۳۵، حق حضور وکیل را محدود و مشروط به دخالت در پایان تحقیقات دانست (ماده ۱۱۲، تبصره). پس از انقلاب اسلامی، ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، حق حضور وکیل در جرایم خاص مانند امنیتی یا سازمان‌یافته را منوط به اجازه دادگاه کرد و هیچ سازوکاری برای کنترل یا بررسی موجه بودن این تصمیم پیش‌بینی نشد. علاوه بر این، ماده ۴۸ این قانون حق ملاقات متهم با وکیل را محدود به یک ساعت کرده و انتخاب وکلای معین از سوی قوه قضائیه را برای جرایم خاص الزامی نموده است. این محدودیت‌ها، با انتقادات حقوقی گسترده‌ای مواجه بوده و به نوعی توازن حقوقی میان متهم و شاکی را در مرحله تحقیقات مقدماتی کاهش داده است (آشوری، ۱۳۷۸).

در فرانسه، اصل برابری سلاح‌ها تاریخی طولانی دارد، اما نخستین تصویب صریح آن با قانون ۱۵ ژوئن ۲۰۰۰ و الهام از ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر صورت گرفت. (Berger, 2007). حق داشتن وکیل مدافع ابتدا در قانون ۱۸۹۷ فقط برای متهم پیش‌بینی شد، سپس با قانون ۲۲ مارس ۱۹۲۱، به بزه‌دیدگان نیز تسری یافت تا توازن در حقوق دفاعی برقرار شود. (Soyer & de Salvia, 1999; Pradel, 2001: 375). اصلاحات بعدی در سال‌های ۱۹۹۳، ۲۰۰۲ و آیین‌نامه‌های ۲۰۰۳، شاکی خصوصی را نیز از پرداخت حق‌الوکاله معاف کرده و بازپرس موظف شد شاکی را از حق داشتن وکیل معاضدتی آگاه سازد. (Sudre, 2007). علاوه بر این، قانون‌گذار فرانسوی به طرفین اجازه می‌دهد هر اقدام یا تحقیقی را که برای کشف حقیقت ضروری است، از بازپرس درخواست کنند، اقدامی که پیش‌تر تنها برای دادستان در نظر گرفته شده بود (ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه). این تدابیر نشان‌دهنده تلاش نظام حقوقی فرانسه برای برقراری توازن کامل و عملی میان متهم و شاکی در مرحله تحقیقات مقدماتی است (ساقیان، ۱۳۸۵: ۸۷).

- در هر دو کشور، اصل تساوی سلاح‌ها با تمرکز بر حق بهره‌مندی از وکیل مدافع تحقق می‌یابد.
- در ایران، محدودیت‌هایی مانند انتخاب وکیل از لیست مشخص، محدودیت زمان ملاقات و شرط اجازه دادگاه در جرایم خاص، توازن حقوقی میان متهم و شاکی را کاهش داده است.
- در فرانسه، اصلاحات قانونی و آیین‌نامه‌ای، شاکی خصوصی را در حقوق دفاعی هم‌سطح متهم قرار داده و حق درخواست اقدامات تحقیقاتی برای هر دو طرف فراهم شده است.
- هدف مشترک هر دو نظام، تحقق عدالت و توازن حقوقی طرفین دعوا است، اما فرانسه این اصل را با جزئیات عملی و ضمانت اجرایی بیشتری تثبیت کرده است، در حالی که در ایران محدودیت‌های قانونی و اجرایی مانع تحقق کامل آن شده است.

۱-۴ اصل استثنا بودن بازداشت موقت و جبران خسارت

بازداشت موقت یکی از شدیدترین تدابیر تأمین کیفری است که به منظور تضمین حضور متهم در مراحل تحقیقات و دادرسی صادر می‌شود. این قرار، به دلیل محدود کردن آزادی فرد و آثار منفی و غیرقابل جبران آن، در هر دو نظام حقوقی ایران و فرانسه با محدودیت‌ها و مقررات مشخصی همراه است.

در ایران، صدور قرار بازداشت موقت مستلزم شرایط سخت و ویژه‌ای است. مطابق قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، بازداشت موقت در جرایم مندرج در ماده ۲۳۷ تنها زمانی ممکن است که یکی از شرایط زیر برقرار باشد: از بین رفتن آثار جرم یا تبانی با سایر متهمان، بیم فرار یا مخفی شدن متهم، یا تهدید نظم عمومی و جان افراد (صبری، ۱۳۹۳: ۲۵۵).

حق جبران خسارت برای بازداشت‌شدگان بی‌گناه در مواد ۲۵۵ تا ۲۵۹ ق.آ.د.ک پیش‌بینی شده است. دو شرط اساسی برای تعلق این حق وجود دارد: اول، بازداشت در جریان تحقیقات یا دادرسی باشد و دوم، صدور حکم برائت یا قرار منع تعقیب قطعی. همچنین، قانون ایران بار اثبات خسارت را از متهم برداشته و مسئولیت جبران را بر عهده دولت گذاشته است. دولت می‌تواند پس از پرداخت خسارت، در صورت احراز تقصیر سایر اشخاص، به آن‌ها مراجعه کند (خالقی، ۱۳۹۵، ج ۱: ۲۴۸؛ یزدانیان، ۱۳۹۴: ۷). این سازوکار، به‌ویژه برای تضمین حقوق متهم بی‌گناه، از طریق کاهش پیچیدگی اثبات خسارت و تضمین مسئولیت عمومی دولت، قابل توجه است.

در فرانسه، بازداشت موقت (توقیف احتیاطی) نیز به‌عنوان اقدام استثنائی تلقی می‌شود و محدودیت‌های زمانی و ماهوی دارد. قانون آیین دادرسی کیفری ۱۹۵۷، ماده ۱۳۷، توقیف احتیاطی را استثنایی معرفی و مدت آن را چهار ماه تعیین کرده است؛ تمدید آن مستلزم صدور قرار مستدل از سوی بازپرس است (گوینچارد، ۲۰۱۱: ۲۵۴). اصلاحات بعدی قوانین ۱۹۷۰ و ۲۰۰۰، تأکید بر محدود کردن اثرات بازداشت بر آزادی و استفاده از اقدامات جایگزین مانند «کنترل قضائی» را داشت (آشوری، ۱۳۹۵: ۷).

جبران خسارت برای افراد بازداشت‌شده بی‌گناه در فرانسه نیز پذیرفته شده است، مشروط بر اینکه تعقیب کیفری به صدور حکم برائت یا منع تعقیب قطعی منتهی شود و ضرر وارد شده غیرعادی و قابل توجه باشد. قانون ۲۰۰۰ اصل برائت کیفری،

راهکارهای جبران خسارت مادی و معنوی ناشی از بازداشت ناموجه را فراهم کرده است و امکان واخواهی و رسیدگی توافقی را نیز تضمین می‌کند (خزائی، ۱۳۶۸: ۱۲۸-۱۲۹؛ ورگس، ۲۰۱۱: ۵۴۱).

۲. اصول شکلی حاکم بر تحقیقات مقدماتی در حقوق کیفری ایران و فرانسه

در مبحث پیشین، اصول ماهوی حاکم بر تحقیقات مقدماتی در حقوق کیفری ایران بررسی شد، شامل اصل برائت، اصل دادرسی عادلانه و اصل تساوی سلاح‌ها. در این مبحث، تمرکز بر اصول شکلی است که هدف آنها تضمین رعایت حقوق متهم در مراحل تحقیقات مقدماتی می‌باشد. اصول شکلی، هویت خود را از اصول ماهوی می‌گیرند؛ برای مثال، حق داشتن وکیل از اصل تساوی سلاح‌ها و اصل دادرسی عادلانه نشأت می‌گیرد و نقش کلیدی در حفاظت از آزادی و دفاع مؤثر متهم دارد.

۲-۱ حقوق متهم در احضار و جلب

در حقوق کیفری ایران، احضار و جلب متهم به‌طور دقیق تحت نظارت قانونی قرار دارد. مطابق ماده ۱۶۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، احضار متهم با استفاده از فرم‌های مخصوص و احضاریه انجام می‌شود. در احضاریه باید مشخصات شخص، تاریخ، ساعت، محل حضور، علت احضار و نتیجه عدم حضور ذکر شود (ماده ۱۷۰ ق.آ.د.ک).

- علت احضار و نتیجه عدم حضور: به موجب تبصره ماده ۱۷۰، در جرایمی که حیثیت اجتماعی متهم یا امنیت عمومی اقتضاء کند، ممکن است علت احضار ذکر نشود، اما متهم حق دارد برای اطلاع به دفتر مرجع قضایی مراجعه کند. ذکر نتیجه عدم حضور، الزامی است تا متهم از پیامدهای عدم حضور خود آگاه باشد.

- دلیل کافی در احضار: مطابق ماده ۱۶۸ ق.آ.د.ک، صرف شکایت شاکی یا گزارش ضابطان برای احضار متهم کافی نیست و باید قرائن و شواهد حداقل احتمال ارتکاب جرم را نشان دهد. عدم رعایت این ماده می‌تواند موجب محکومیت انتظامی مرجع احضارکننده شود.

- ابلاغ احضاریه: احضاریه ممکن است به شخص متهم، بستگان یا افرادی که طبق آیین دادرسی مدنی ابلاغ به آنها صحیح است، ارسال شود (ماده ۱۷۷ ق.آ.د.ک). در صورت نامعلوم بودن محل اقامت متهم، انتشار آگهی در روزنامه‌های کثیرالانتشار ملی یا محلی با ذکر عنوان اتهام و مهلت یک ماه انجام می‌شود (ماده ۱۷۴ ق.آ.د.ک).

- حق داشتن وکیل: مطابق ماده ۱۹۰ ق.آ.د.ک، متهم حق دارد در مرحله تحقیقات مقدماتی از یک نفر وکیل همراه خود استفاده کند و این حق باید در احضاریه قید و به متهم ابلاغ شود. سلب این حق، موجب بی‌اعتباری تحقیقات است.

- استفاده از فناوری‌های نوین: بر اساس ماده ۱۷۵ ق.آ.د.ک، استفاده از پیام‌رسان‌ها، ایمیل، ارتباط تصویری، نمابر و تلفن برای ابلاغ اوراق و احضار متهم مجاز است، مشروط بر رعایت مقررات دادرسی الکترونیکی. به طور خلاصه، در ایران، احضار و جلب متهم منوط به رعایت دلیل کافی، ابلاغ صحیح، حق داشتن وکیل و ذکر نتیجه عدم حضور است و این اصول، حق دفاع متهم را تضمین می‌کند.

در حقوق کیفری فرانسه، احضار و جلب متهم نیز به عنوان مرحله‌ای کلیدی در تحقیقات مقدماتی شناخته می‌شود. قانون‌گذاران و دیوان کمیسیون اروپایی حقوق بشر، اهمیت اطلاع متهم از اتهامات و ادله علیه خود و حق دسترسی به وکیل را تأکید کرده‌اند.

- ابلاغ پیش از احضار: بر اساس قانون ۴ ژانویه ۱۹۹۳، دادستان موظف بود پیش از نخستین احضار، اطلاعات مربوط به اتهامات و اقدامات علیه متهم را به او اطلاع دهد و متهم حق داشت از وکیل استفاده کند (ماده ۸۰-۱ ق.آ.د.ک.ف.). بعداً، قانون ۲۴ اوت ۱۹۹۳ مسئولیت را به بازپرس منتقل کرد، اما هدف اصلی یعنی تضمین حق دفاع و جلوگیری از اقدامات خودسرانه همچنان پابرجاست.

- اصول دادرسی عادلانه: دیوان کمیسیون اروپایی حقوق بشر در پرونده‌های اکباتانی علیه سوئد (۱۹۸۸) و فوشر علیه فرانسه (۱۹۹۷) تأکید کرده است که متهم باید از اتهامات و ادله علیه خود آگاه باشد و فرصت کافی برای دفاع داشته باشد.

به طور کلی، قوانین فرانسه تأکید دارند که احضار و جلب متهم باید با رعایت زمان کافی برای آماده شدن، اطلاع از اتهام، دسترسی به وکیل و جلوگیری از اقدامات خودسرانه انجام شود.

۲-۲ حق سکوت متهم در حقوق کیفری فرانسه

در حقوق کیفری فرانسه، حق سکوت متهم یک حق دفاعی اساسی است که به صراحت در مواد ۱۱۵ و ۱۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی شده و مقامات قضایی، به ویژه بازپرس، موظفند آن را به متهم تفهیم کنند. این حق به متهم امکان می‌دهد تا بدون فشار روانی یا اجبار به اعتراف، تا دسترسی به وکیل از پاسخ دادن خودداری کند و بدین ترتیب از سوءاستفاده مقامات قضایی جلوگیری شود. (Louis, Edmond, 2000: 141) رعایت این حق، همراه با ابلاغ احضاریه با فاصله زمانی کافی (۱۰ روز در استان‌ها، یک ماه در مناطق فرامرزی اتحادیه اروپا و دو ماه در خارج از اتحادیه)، تضمین‌کننده دادرسی منصفانه و آماده‌سازی مؤثر متهم برای دفاع است، به گونه‌ای که کوتاهی در تفهیم حق سکوت می‌تواند منجر به بطلان تحقیقات شود. (Cour eue. D.H, 1996: 49)

در مقابل، در حقوق کیفری ایران حق سکوت متهم به رسمیت شناخته شده و ناشی از اصل برائت است (ماده ۱۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲)، به گونه‌ای که سکوت متهم نمی‌تواند به تنهایی دلیل بر بزهکاری او باشد و صرفاً همراه با سایر قرائن و دلایل مورد توجه قاضی قرار می‌گیرد. با تصویب قانون ۱۳۹۲، مواد ۱۹۵ و ۱۹۷ حق سکوت متهم و ضرورت تفهیم موضوع اتهام و ادله آن را پیش‌بینی کرده‌اند، اما تفهیم سیستماتیک و ضمانت اجرای آن هنوز کامل نیست و بسیاری از متهمان در مرحله تحت نظر بدون اطلاع از این حق تحت فشار بازجویی قرار می‌گیرند.

مقایسه حقوق فرانسه و ایران نشان می‌دهد که در فرانسه حق سکوت با جزئیات دقیق و ضمانت‌های اجرایی مشخص، از جمله اطلاع‌رسانی پیش از بازجویی و فاصله زمانی کافی برای انتخاب وکیل و آماده‌سازی دفاع، عملیاتی شده است، در حالی که در ایران، اگرچه این حق به رسمیت شناخته شده، اما تفهیم عملی و ضمانت اجرایی آن محدود است و به‌طور

کامل از فشارهای احتمالی در مرحله تحقیقات مقدماتی جلوگیری نمی‌کند. این تفاوت، تأثیر مهمی بر میزان رعایت اصل برائت و تضمین دادرسی منصفانه دارد

۲-۳ حق اعتراض متهم به قرار بازداشت موقت

حق اعتراض متهم به بازداشت موقت، در هر دو نظام حقوقی فرانسه و ایران، یکی از مهم‌ترین تضمین‌های شکلی و دفاعی است که آزادی فرد و اصل برائت را تا زمان صدور حکم نهایی محافظت می‌کند. در فرانسه، صدور بازداشت موقت محدود به شرایط قانونی مشخص است، شامل جرائم جنایی، جرائم جنحه‌ای با حداقل حبس سه سال و امتناع عمدی متهم از رعایت الزامات نظارت قضایی (ماده ۱۴۳ و ۱۴۱-۲ آیین دادرسی کیفری فرانسه)، و اعتراض متهم می‌تواند ظرف ده روز به شعبه بازپرسی ارائه شود یا به دادگاه ویژه تجدیدنظر مستقیم درخواست شود، با زمان‌بندی کوتاه و تصمیمات غیرقابل تعویق که نشان‌دهنده رعایت اصل بی‌گناهی و دادرسی منصفانه است (آشوری، ۱۳۷۶: ۲۲؛ بوریکانند، ۲۰۱۱: ۶۵). در ایران نیز حق اعتراض متهم به بازداشت موقت به صراحت در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ پیش‌بینی شده است. متهم می‌تواند در صورت رفع دلایل بازداشت، آزاد شدن یا تبدیل قرار را از بازپرس درخواست کند (ماده ۲۴۱)، و در صورت رد درخواست، ظرف ده روز اعتراض به دادگاه صالح ارائه دهد (ماده ۲۷۰ بند ب و ماده ۲۷۱). قانون ایران با تعیین محدودیت‌های زمانی مشخص و امکان رسیدگی فوری، تلاش کرده است بازداشت متهم را استثنایی، موقت و قابل کنترل نماید (خالقی، ۱۳۹۴: ۲۵۳).

مقایسه دو نظام نشان می‌دهد که هر دو حقوق فرانسه و ایران، حق اعتراض به بازداشت موقت را به عنوان ابزار مهم کنترل قضایی و حمایت از اصل برائت پیش‌بینی کرده‌اند، اما در فرانسه این حق با ضمانت‌های دقیق‌تر و فرآیندهای تجدیدنظر سریع‌تر و گسترده‌تر عملیاتی شده، در حالی که در ایران، اگرچه حق اعتراض پذیرفته شده، اما محدودیت زمانی و مراحل اجرایی آن کمتر تفصیلی است و کمتر از حقوق فرانسه، ابعاد عملیاتی و اجرایی گسترده دارد.

۲-۴ حق اطلاع از موضوع اتهام

حق اطلاع متهم از موضوع اتهام و ادله آن، در هر دو نظام حقوقی ایران و فرانسه، یک حق بنیادین دفاعی است که امکان دفاع مؤثر و تحقق اصل برائت را فراهم می‌کند. در ایران، قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ صراحتاً مقامات قضایی و ضابطان را موظف کرده است که پیش از تحت نظر قرار دادن متهم، موضوع اتهام و دلایل آن را به او تفهیم و ابلاغ کنند (مواد ۴۹، ۵۰، ۵۲، ۱۲۵ و ۱۷۰)، همچنین وکیل متهم از زمان تحقیقات مقدماتی حق دسترسی به ادله و مدارک پرونده را دارد (ماده ۱۹۰). اطلاع متهم به صورت مکتوب و با رسید دریافت شده باید انجام شود تا مستند پرونده باشد، و حق اطلاع خانواده و تماس با بستگان نیز مشروط بر رعایت محرمانگی و امنیت تحقیقات پیش‌بینی شده است (آخوندی، ۱۳۸۴: ج ۵: ۱۱۸).

در فرانسه نیز حق اطلاع متهم از اتهام و ادله آن به شدت مورد حمایت است و شامل دسترسی به پرونده، اطلاع از فهرست گواهان و هیأت منصفه و امکان تماس با وکیل یا مقامات کنسولی می‌شود (مواد ۶۳-۱، ۶۳-۲ و ۸۰-۱ و ۸۰-۲ آیین دادرسی کیفری فرانسه). اطلاع‌رسانی باید رسمی، ثبت شده و رسید آن امضا شود و در صورت خطر آسیب به تحقیقات،

مراتب فوری به دادستان اطلاع داده می‌شود تا تصمیم مقتضی اتخاذ شود. همچنین، امکان دریافت رونوشت اسناد و مدارک پرونده حتی به هزینه متهم و برخی به صورت رایگان پیش‌بینی شده است.

مقایسه دو نظام نشان می‌دهد که در هر دو، اطلاع متهم پیش‌شرط دفاع مؤثر و رعایت اصل برائت است، اما فرانسه با ابزارهای عملیاتی گسترده‌تر، کنترل قضایی سریع و دسترسی کامل به اسناد و امکان تماس کنسولی، حمایت عملی گسترده‌تری فراهم کرده است، در حالی که ایران با قانون ۱۳۹۲ گام مهمی برای تضمین حق اطلاع‌رسانی برداشته اما محدودیت‌هایی در دسترسی عملی و کنترل فوری در برخی جرائم وجود دارد.

۲-۵ حق اطلاع به خانواده و بستگان

در حقوق کیفری ایران، حق اطلاع متهم از وضعیت خود و امکان انتقال این اطلاع به خانواده و بستگان، از مصادیق مهم حقوق دفاعی و تضمین‌های دادرسی منصفانه به شمار می‌رود. این حق به‌ویژه در مرحله بازداشت و تحت نظر اهمیت می‌یابد؛ زیرا متهم در نخستین ساعات سلب آزادی، نیازمند حمایت عاطفی و حقوقی نزدیکان خویش است. اسناد بین‌المللی از جمله «مجموعه اصول حمایت از کلیه افراد تحت هرگونه بازداشت یا زندان» مصوب ۱۹۸۸ و قواعد حداقل استاندارد رفتار با زندانیان، بر اطلاع‌رسانی فوری و امکان تماس با اشخاص مورد نظر تأکید کرده‌اند.

در نظام حقوقی ایران، با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، این حق صورت‌بندی دقیق‌تری یافت؛ به موجب مواد ۴۹ و ۵۰، ضابطان مکلف‌اند مشخصات و علت بازداشت را اعلام کرده و امکان اطلاع‌رسانی متهم به خانواده و آشنایان را از طریق تلفن یا هر وسیله ممکن فراهم کنند، مگر در موارد استثنایی مرتبط با ضرورت‌های تحقیق. همچنین ضمانت اجرای تخلف ضابطان، مطابق ماده ۶۳، انفصال از خدمات دولتی پیش‌بینی شده است که نشان‌دهنده اهمیت این حق در نظام تقنینی ایران است.

در حقوق کیفری فرانسه نیز حق اطلاع‌رسانی به نزدیکان برای اشخاص بازداشت‌شده به رسمیت شناخته شده و در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه مقررات مشخصی برای آن مقرر گردیده است.

بر اساس ماده ۲-۶۳، متهم می‌تواند حداکثر ظرف سه ساعت پس از بازداشت، از طریق تلفن یکی از اشخاص معین مانند همسر، والدین، خواهر یا برادر، هم‌خانه یا کارفرما را مطلع سازد و افسر پلیس قضایی مکلف است این حق را فوراً به وی اعلام و در صورت جلسه ثبت کند. هرچند در موارد استثنایی و با نظارت دادستان امکان تعویق یا محدودیت این اطلاع‌رسانی وجود دارد، اصل بر اعمال فوری این حق است.

تفاوت مهم با حقوق ایران در محدود بودن اشخاص قابل اطلاع و تعیین مهلت سه‌ساعته مشخص است، در حالی که در ایران دامنه «خانواده و آشنایان» گسترده‌تر تعریف شده و محدودیت زمانی معینی پیش‌بینی نشده است. با این حال، در هر دو نظام، کنترل قضایی بر محدودیت‌ها و ثبت رسمی اقدامات، بیانگر تأثیر استانداردهای بین‌المللی بر تضمین حق اطلاع متهم به خانواده و بستگان است.

۲-۶ حق معاینه پزشکی

حیات و سلامت انسان ارزشمندترین دارایی اوست و حفظ آن، هم از منظر کرامت انسانی و هم برای تضمین حقوق دیگر، اهمیت ویژه‌ای دارد. سلامت جسمی و روانی متهمان بازداشت شده، به دلیل محدودیت‌های آزادی و احتمال بروز بیماری یا آسیب در بازداشت، باید به رسمیت شناخته شود.

حق معاینه پزشکی یکی از تضمین‌های اساسی برای جلوگیری از شکنجه، آزار جسمی و روانی متهم و حمایت از کرامت انسانی است.

در فرانسه، ماده ۶۳-۱ قانون آیین دادرسی کیفری (ق.آ.د.ک.ف) به صراحت مقرر می‌دارد که هر شخص تحت نظر می‌تواند به درخواست خود توسط پزشک منتخب دادستان یا افسر پلیس قضایی معاینه شود. اگر مدت تحت نظر طولانی شود، امکان درخواست مجدد برای معاینه وجود دارد. این مقررات تضمین می‌کنند که معاینه پزشکی در هر مرحله از بازداشت و تحت نظر، به عنوان یک الزام قانونی انجام شود و مانع سوءاستفاده‌های مأموران شود. با این حال، انتخاب پزشک به متهم یا خانواده او واگذار نشده است و برخی حقوق‌دانان این محدودیت را انتقاد کرده‌اند.

قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ ایران، با ماده ۵۱، حق درخواست معاینه پزشکی را برای متهم و بستگان نزدیک وی به رسمیت شناخته است. حق معاینه پزشکی، از ارکان اساسی حقوق متهمان بازداشت شده در ایران و فرانسه است و هدف اصلی آن حفظ سلامت جسمی و روانی، جلوگیری از شکنجه و آزار، و تضمین کرامت انسانی است.

- در فرانسه، معاینه پزشکی هم برای متهم و هم به دستور مقام قضایی الزامی است و شامل جرایم سازمان‌یافته و بازداشت طولانی می‌شود.

- در ایران، علاوه بر متهم، بستگان نزدیک حق درخواست معاینه دارند و ضمانت اجرای تخلف ضابطان نیز مشخص است، اما محدودیت در انتخاب پزشک معتمد متهم یک نقطه ضعف محسوب می‌شود.

هر دو نظام به سلامت جسمی و روانی متهمان توجه دارند، اما ایران دامنه درخواست را گسترده‌تر و فرانسه اجرای مراحل و جرایم خاص را دقیق‌تر پیش‌بینی کرده است. ارتقای حقوق متهمان می‌تواند با امکان انتخاب پزشک مورد اعتماد توسط متهم یا خانواده و تضمین اجرای بی‌طرفانه معاینات پزشکی کامل‌تر شود.

۲-۷ حق داشتن وکیل

حق داشتن وکیل یکی از اصول بنیادین حقوق دفاعی متهم است که ریشه در اصل برائت، دادرسی عادلانه و تساوی سلاح‌ها دارد و باید از نخستین لحظات تحت نظر قرار گرفتن رعایت شود. در حقوق ایران، قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ این حق را در مرحله تحقیقات مقدماتی به رسمیت شناخته و متهم می‌تواند با درخواست خود یا از طریق بستگان، از وکیل ملاقات داشته و در جرائم شدید، در صورت عدم توانایی مالی، وکیل تسخیری برای وی تعیین می‌شود (ماده ۴۸ و تبصره ۲ ماده ۱۹۰ ق.آ.د.ک.؛ ساقیان، ۱۳۹۳). در حقوق فرانسه نیز متهم از نخستین ساعات بازداشت حق ملاقات با وکیل خود را دارد و در صورت عدم توانایی مالی، می‌تواند وکیل تسخیری درخواست کند؛ ضابطان موظف به فراهم کردن ملاقات خصوصی و دسترسی و کلاً به پرونده برای دفاع کامل هستند و تنها در موارد استثنایی مانند جرایم تروریستی یا

سازمان یافته، اعمال این حق ممکن است به طور محدود به تأخیر بیفتد (ماده ۲-۶۳ و ۴-۶۳ ق.آ.د. ک فرانسه؛ Guinchard, 2012). به این ترتیب، هر دو نظام حقوقی ایران و فرانسه حق برخورداری متهم از وکیل را به عنوان تضمین اصلی حقوق دفاعی به رسمیت شناخته‌اند، هرچند فرانسه دسترسی وکیل و حضور مؤثر وی را از آزادی نخستین بازداشت تا مراحل دادرسی به صورت گسترده‌تر پیش‌بینی کرده است.

۲-۸ حق جبران خسارت ناشی از بازداشت غیرقانونی در حقوق کیفری ایران

حق جبران خسارت ناشی از بازداشت غیرقانونی، بر پایه اصل برائت و حفاظت از حقوق شهروندان در مقابل قدرت عمومی شکل گرفته است. در حقوق ایران، قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ (مواد ۲۵۵ تا ۲۵۹) این حق را برای متهمانی که در تحقیقات یا دادرسی بازداشت شده و سپس حکم قطعی برائت یا قرار منع تعقیب برای آنان صادر شود، پیش‌بینی کرده است؛ متهم باید ظرف شش ماه از تاریخ ابلاغ رأی قطعی، درخواست جبران خسارت خود را به کمیسیون استانی تقدیم کند و برخی شرایط سلبی مانند خودداری متهم از ارائه اسناد یا ایجاد موجبات بازداشت، مانع دریافت خسارت است (خالقی، ۱۳۹۵؛ یزدانیان، ۱۳۹۴). در حقوق فرانسه نیز، متهم پس از صدور قرار منع تعقیب یا برائت قطعی می‌تواند خسارت مادی و معنوی وارده را مطالبه کند و در صورت سوءنیت شاکی، جبران از وی نیز قابل مطالبه است (ورگس، ۲۰۱۱؛ خزائی، ۱۳۶۸). به این ترتیب، هر دو نظام حقوقی ایران و فرانسه، جبران خسارت ناشی از بازداشت بی‌جهت و رعایت عدالت و امنیت قضایی را به عنوان تضمین حقوق دفاعی متهم به رسمیت شناخته‌اند.

۳- ضمانت اجرای نقض حقوق دفاعی در مرحله تحقیقات مقدماتی

در مرحله تحقیقات مقدماتی که حساس‌ترین بخش فرایند کیفری و تجلی عملی اصل برائت است، نقض حقوق دفاعی متهم می‌تواند اعتبار کل دادرسی را مخدوش سازد؛ از این رو، هم در حقوق ایران و هم در حقوق فرانسه، برای تضمین الزام‌آور بودن این حقوق، ضمانت‌اجراهای متعددی پیش‌بینی شده است. این ضمانت‌ها شامل بطلان تحقیقات و بی‌اعتباری ادله تحصیل‌شده به نحو نامشروع، مسئولیت انتظامی و کیفری ضابطان و مقامات متخلف، و نیز جبران خسارت و مسئولیت مدنی ناشی از بازداشت یا اقدامات غیرقانونی است؛ سازوکارهایی که هدف آنها حفظ توازن میان اقتدار عمومی و آزادی‌های فردی و جلوگیری از رفتارهای خودسرانه در فرآیند تحقیق است. در نظام فرانسه نیز با تأکید بر اصل برابری سلاح‌ها و حق دسترسی به وکیل، نقض حقوق دفاعی می‌تواند به ابطال اقدامات تحقیقاتی و تعقیب انتظامی یا کیفری مأموران بینجامد و امکان مطالبه خسارت را فراهم آورد؛ امری که نشان‌دهنده تلاش این نظام برای برقراری تعادل میان کارآمدی تعقیب کیفری و صیانت از حقوق بنیادین متهم است (Soyer, 2000: 260; Pradel, 2001: 115).

۳-۱ بطلان تحقیقات مقدماتی در صورت نقض حقوق دفاعی شخص متهم

قاعده بطلان دلیل بر این مبنا استوار است که صرف ارتباط دلیل با واقعیت مجرمانه برای اعتبار آن کافی نیست، بلکه تحصیل آن نیز باید منطبق با ضوابط قانونی و با رعایت حقوق دفاعی متهم باشد؛ در غیر این صورت، دلیل فاقد اعتبار بوده و حتی می‌تواند موجب مسئولیت کیفری یا انتظامی مأمور تحصیل‌کننده شود (تدین، ۱۳۸۷: ۷۶). این رویکرد در حقوق ایران پیشنهادی بیش از یک قرن دارد و از ماده ۳۶۸ قانون اصول محاکمات جزایی ۱۲۹۱ درباره حق داشتن وکیل آغاز

شده، سپس با فراز و فرودهای تقنینی مواجه گردیده است؛ از نسخ ضمانت اجرای بطلان در اصلاحات ۱۳۳۷ تا احیای آن در ماده واحده قانون انتخاب وکیل (۱۳۷۰) و پیش‌بینی بطلان در تبصره ۱ ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲. با این حال، اصلاحیه بعدی با جایگزینی ضمانت اجرای انتظامی به جای بطلان، نوعی عقب‌گرد در تضمین حقوق دفاعی تلقی شده است. همچنین پذیرش «بطلان قضایی» به جای «بطلان قانونی» موجب شده بار اثبات تأثیر نقض حق دفاع بر بی‌اعتباری تحقیقات بر عهده متهم قرار گیرد (موذن‌زادگان، ۱۳۹۵: ۲۴۴؛ قاسمی‌مقدم، پیشین: ۱۴۸).

در کنار این تحولات، بطلان‌های منصوص یا قانونی ناظر به مواردی اند که قانونگذار صراحتاً عدم رعایت تشریفات حمایتی از متهم را موجب بی‌اعتباری تحقیقات دانسته است. در حقوق فرانسه، ماده ۸۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری، نقض تشریفات دارای ضمانت بطلان را مستوجب بی‌اعتباری می‌داند و مواد ۱۷۰ تا ۱۷۴ نیز به چارچوب بطلان تحقیقات اختصاص یافته‌اند. از مصادیق آن می‌توان به ممنوعیت به‌کارگیری پرسش‌های تلقینی یا موهن در بازجویی، تنظیم گزارش‌های خلاف ضوابط، تفتیش خارج از ساعات قانونی، و نقض تشریفات مربوط به بازرسی، ره‌گیری ارتباطات یا تفتیش بدنی اشاره کرد که در صورت تخلف، ادله حاصل قابل استناد نیستند (حیدری، پیشین: ۴۳). بدین ترتیب، بطلان منصوص ابزار مهمی برای صیانت از حقوق دفاعی متهم و تضمین دادرسی عادلانه در مرحله تحقیقات مقدماتی به شمار می‌آید.

۲-۳ مجازات انتظامی در صورت نقض حقوق دفاعی شخص متهم

تخلف انتظامی ناظر به نقض مقررات حرفه‌ای و سازمانی از سوی اعضای یک صنف یا نهاد است و بدون نیاز به اثبات تقصیر یا تحقق نتیجه زیان‌بار، مستوجب ضمانت اجرای اداری می‌باشد (گلدوست جویباری و باقری‌نژاد، ۱۳۹۲: ۸۷). در حوزه قضایی، قانون نظارت بر رفتار قضات مصادیقی همچون گزارش خلاف واقع، خروج از بی‌طرفی، امتناع از رسیدگی، رفتار خلاف شأن قضایی و عدم رعایت صلاحیت را در زمره تخلفات انتظامی قرار داده است. در پرتو تبصره ماده ۴۵۵ و بند (ب) ماده ۴۶۹ قانون آیین دادرسی کیفری، محروم کردن متهم از حق داشتن وکیل در مرحله تحقیقات می‌تواند علاوه بر تعقیب انتظامی، در چارچوب بطلان قضایی نیز ارزیابی شود. با این حال، جایگزینی ضمانت اجرای بطلان با مجازات انتظامی در اصلاحات بعدی، از منظر حمایتی نسبت به حقوق دفاعی متهم، نوعی تضعیف تضمینات دادرسی عادلانه تلقی می‌شود.

در کنار بطلان‌های منصوص، بطلان‌های ذاتی یا بالقوه عمدتاً محصول رویه قضایی اند و در موارد نقض تشریفات اساسی و حقوق بنیادین دفاعی even—بدون تصریح قانونی—اعمال می‌شوند. در حقوق فرانسه، Code de procédure pénale در مواد مختلف به حمایت از حقوق متهم پرداخته و دیوان عالی این کشور با تفسیر قضایی، نقض حقوقی چون حق حضور وکیل یا اطلاع از اتهام را موجب بطلان بالقوه دانسته است. (Marty-Delmas, 1995: 525) رویه‌های قضایی از جمله آرای Cour de cassation (Crim., 27 nov. 1828)؛ Cass. crim., 16 mai 1974 نشان می‌دهد هرگاه نقض تشریفات به منافع دفاعی متهم لطمه اساسی وارد کند، امکان ابطال تحقیقات وجود دارد؛ در حالی که تخلفات

شکلی غیر مؤثر، مانند برخی نواقص اداری، مشمول بطلان نمی شوند. بدین ترتیب، نظام دو گانه بطلان قانونی و قضایی در فرانسه، مکمل یکدیگر در تضمین عدالت کیفری و صیانت از حقوق دفاعی متهمان است.

۳-۳ مجازات کیفری در صورت نقض حقوق متهم

در این بخش، به بررسی ضمانت اجرای حقوق دفاعی متهم و بطلان های ناشی از نقض تشریفات دادرسی و تأثیر آنها بر نظم عمومی می پردازد. نخست، در نظام کیفری ایران، قانونگذار با پیش بینی مجازات های کیفری برای ضابطان و مقامات قضایی، کوشیده است تا از نقض حقوق دفاعی متهمان جلوگیری کند. اصل برائت و رعایت حقوق متهمان، محور اساسی این تدابیر است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در فصل سوم، تحت عنوان حقوق ملت، صراحتاً بر حمایت از حیثیت، جان، مال، مسکن و شغل افراد تأکید داشته و هیچ فردی را از تعرض مصون نمی داند مگر در موارد مقرر قانونی (ماده ۸۰۱). ضمانت اجرای این اصل نیز در ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ پیش بینی شده است.

به طور خاص، ماده ۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری، عدم تفهیم حقوق متهمان توسط ضابطان را جرم انگاشته و ضابطان خاطی را به مجازات انفصال از خدمات دولتی به مدت شش ماه تا یک سال محکوم می کند. این ماده نشان می دهد که حتی استفاده از واژه «تخلف» در صدر ماده، ماهیت کیفری و الزام آور این اقدام را تغییر نمی دهد و رسیدگی به آن در صلاحیت مراجع قضایی عمومی قرار دارد (خالقی، پیشین: ۹۶).

با این حال، در قانون ایران، برای ضابطانی که عدم تفهیم حقوق متهمان را با سوء نیت و قصد ایجاد ضرر انجام می دهند، مجازات سنگین تری پیش بینی نشده است. همچنین، در قانون مجازات اسلامی فصل دهم، تعدادی از جرایم مقامات و مأموران شامل بازداشت غیرقانونی، اخذ اقرار به وسیله شکنجه، هتک حرمت منازل و مراسلات، تعدیات مالی مأموران و توقیف غیرقانونی پیش بینی شده و به عنوان تضمین حقوق و آزادی های افراد، ضمانت اجرا شده اند (قاسمی مقدم، پیشین: ۱۵۱).

در بخش دوم، به بطلان هایی که به نظم عمومی مربوط می شوند پرداخته شده است. دکترین و رویه قضایی فرانسه، بطلان ها را به دو گروه تقسیم می کنند: نخست، بطلان هایی که نقض حقوق دفاعی متهمان و منافع خصوصی افراد را در پی دارد و دوم، بطلان هایی که لطمه به نظم عمومی و اعتبار دستگاه قضایی وارد می کنند و اعمال آنها نیازمند شکایت متهم نیست (Pradel, 2007: 720). (Fourment, 2007: 51). نمونه هایی از این بطلان ها در فرانسه شامل فقدان تاریخ یا امضای بازپرس محلی (Cass.crim., 11 avril 1959)، عدم امضای دستور تعیین بازپرس (Cass.crim., 24 avril 1971)، عدم سوگند کارشناس، عدم بازجویی از متهم در طول جریان تحقیقات یا تمدید مدت تحقیقات (Crim., 30 janv. 2001)، و نقض اصل مشروعیت تحصیل ادله (Cass.crim., 27 fév. 1996) است.

ماده ۱۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه نیز تصریح می کند که «عدم رعایت تشریفات اساسی پیش بینی شده توسط مقررات قانون حاضر یا سایر مقررات آیین دادرسی کیفری» موجب بطلان ادله یا کل فرآیند دادرسی می شود. این بطلان ها اهمیت ویژه ای دارند، زیرا حتی نقض جزئی تشریفات می تواند اعتماد عمومی به عدالت و اعتبار دستگاه قضایی را تحت تأثیر قرار دهد.

در مقایسه، در آیین دادرسی کیفری ایران، مقررات مشخص و یکپارچه‌ای درباره بطلان ادله یا تحقیقات پیش‌بینی نشده است، اما نقض برخی قواعد و تشریفات دادرسی، از طریق درخواست تجدیدنظر یا اعتراض قضایی قابل رسیدگی است. دکترین حقوقی ایران نیز تحصیل ادله به طرق نامشروع و نقض تشریفات دادرسی را مغایر با حقوق بشر و قانون اساسی دانسته و فاقد اعتبار قضایی تلقی می‌کند (آخوندی، ۱۳۷۹: ۱۷۱؛ گلدوزیان، ۱۳۸۴: ۲۹۰). این امر نشان می‌دهد که اگرچه در ایران نظام حقوقی نسبت به بطلان‌ها به صورت موردی عمل می‌کند، ضرورت توجه به تضمین‌های حقوق دفاعی و رعایت تشریفات دادرسی برای حفظ نظم عمومی و اعتماد عمومی به عدالت، از اهمیت بالایی برخوردار است.

۳-۴ مجازات مدنی در صورت نقض حقوق دفاعی شخص متهم

قانونگذار مسئولیت مدنی را به عنوان ابزاری برای کنترل قدرت ضابطان و مقامات قضایی به کار گرفته تا افراد مظنون و متهم بتوانند در صورت وارد شدن ضرر، خسارت خود را دریافت کنند. اصل ۱۷۱ قانون اساسی ایران تصریح می‌کند که هرگاه خسارت مادی یا معنوی به متهم وارد شود، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی مسئول است و در غیر این صورت، دولت موظف به جبران است و باید اعاده حیثیت انجام شود. این اصل عمدتاً به قضات و اقدامات قضایی آنان مربوط است، اما ضمانت‌هایی برای ضابطان دادسرا نیز در قانون پیش‌بینی شده است (صالحی مازندرانی، ۱۳۸۴: ۱۳۹). مفاهیم «تقصیر» و «اشتباه» اهمیت بالایی دارند: تقصیر به تخلف عمدی از وظایف قانونی اشاره دارد و مسئولیت مستقیم فرد را در پی دارد، اما اشتباه شامل خطاهای غیرعمد و ناشی از بی احتیاطی یا سهل انگاری شدید است که مسئولیت آن بر عهده دولت است (رضواندی، ۱۳۹۶: ۱۴۲). مواد مختلف قانون آیین دادرسی کیفری ایران (ماده ۷، تبصره ماده ۱۴۵، ماده ۲۵۵ و ماده ۵۱۸) و قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ (ماده ۱۳ و ماده ۵۷۰) ضابطان و مقامات قضایی را ملزم به جبران خسارت ناشی از اقدامات یا تصمیمات ناصحیح می‌کنند و در برخی موارد، دولت نقش جبران کننده خسارت‌های ناشی از اشتباهات غیرعمد را بر عهده دارد. رویه قضایی نیز رسیدگی به دعاوی جبران خسارت ناشی از تقصیر یا اشتباه قاضی را در صلاحیت دادگاه عمومی قرار داده و اثبات تقصیر یا اشتباه قاضی بر عهده مدعی است (بند ۶ ماده ۶ قانون نظارت بر رفتار قضات). با وجود این، تحلیل نگارنده نشان می‌دهد که قوانین موجود در برخی مواد، مانند ماده ۶۳ و ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری، دارای ناسازگاری و تعارض هستند و در صورت نقض حقوق دفاعی متهم، تفسیر به نفع متهم ایجاب می‌کند که استناد به ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ برای تعیین ضمانت اجرا صورت گیرد. به طور کلی، مسئولیت مدنی و کیفری ضابطان و مقامات قضایی، با هدف حفظ حقوق دفاعی متهم و تقویت دادرسی عادلانه، از اهمیت بالایی برخوردار است و جبران خسارت ناشی از تقصیر یا اشتباه، اعاده حیثیت و حفظ استقلال قضات را تضمین می‌کند.

۴- ضمانت اجرای حقوق دفاعی متهم در نظام‌های حقوقی ایران و فرانسه: وجوه اشتراک و افتراق

۴-۱ جهات اشتراک نظام حقوقی ایران و فرانسه در ضمانت اجرای حقوق دفاعی متهم

یکی از مهم‌ترین وجوه مشترک نظام حقوقی ایران و فرانسه در حوزه دادرسی کیفری، پذیرش حقوق دفاعی متهم به عنوان یک اصل بنیادین و غیرقابل انکار است. در هر دو کشور، رعایت حقوق دفاعی متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی و دادرسی، شرط مشروعیت اقدامات قضایی و اعتبار ادله تحصیل شده تلقی می‌شود. در نظام حقوقی ایران، اصل برائت و

حق دسترسی به وکیل، حق اطلاع از اتهام و برخورداری از فرصت کافی برای دفاع، به صراحت در قانون اساسی جمهوری اسلامی و قوانین آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی شده است. به همین ترتیب، در فرانسه نیز قوانین آیین دادرسی کیفری و رویه قضایی، حضور وکیل، اطلاع از اتهام و رعایت تشریفات قانونی را به عنوان ضمانت اجرای حقوق دفاعی متهم تضمین می‌کنند. این مشترکات نشان می‌دهد که هر دو نظام، متهم را نه به عنوان متهم بالقوه، بلکه به عنوان دارنده حقوق اساسی مدنظر قرار می‌دهند و تخلف از این حقوق می‌تواند آثار حقوقی قابل توجهی داشته باشد.

وجه اشتراک دوم، وجود ضمانت اجرای بطلان تحقیقات در صورت نقض حقوق دفاعی است. در ایران، عدم رعایت تشریفات قانونی یا استفاده از روش‌های غیرقانونی در بازجویی و تحقیقات مقدماتی، موجب ابطال ادله یا تحقیقات می‌شود. این امر در مواد ۱۷۱ و ۸۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری و همچنین رویه قضایی کشور، به وضوح مورد تأکید قرار گرفته است. در فرانسه نیز بطلان تحقیقات به سه دسته «منصوص یا قانونی»، «ذاتی یا بالقوه» و «مربوط به نظم عمومی» تقسیم شده است و عدم رعایت تشریفات اساسی، حضور وکیل یا حقوق متهم، می‌تواند منجر به بطلان ذاتی یا بالقوه تحقیقات شود. از این منظر، هر دو نظام با تکیه بر ضرورت رعایت تشریفات و حمایت از حقوق دفاعی، بطلان تحقیقات را به عنوان یک ابزار مهم ضمانت اجرایی پیش‌بینی کرده‌اند.

وجه مشترک سوم، حق جبران خسارت ناشی از بازداشت غیرقانونی متهمان بی‌گناه است. در ایران، مواد ۲۵۵ تا ۲۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، امکان مطالبه جبران خسارت برای افرادی که به ناحق بازداشت شده و سپس حکم برائت یا قرار منع تعقیب برای آنان صادر شده را پیش‌بینی می‌کند. در فرانسه نیز اصل برائت کیفری مصوب ۲۰۰۰ و ماده ۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری، جبران تمامی خسارات مادی و معنوی وارد شده به متهم بی‌گناه در جریان بازداشت غیرقانونی را تضمین می‌کند. در هر دو نظام، اعمال این حق منوط به اثبات بی‌گناهی متهم و صدور حکم قطعی است و این امر نشانگر توجه هر دو کشور به توازن میان منافع عمومی و حقوق فردی متهمان است.

وجه مشترک چهارم، ضرورت رعایت تشریفات قانونی و حضور وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی است. در ایران، استفاده از روش‌های غیرقانونی مانند سوالات تلقینی یا خارج از موضوع اتهام، موجب عدم استناد قضایی به ادله می‌شود، در حالی که در فرانسه عدم حضور وکیل یا دعوت اشتباه به آدرس قدیمی متهم، موجب بطلان بالقوه یا ذاتی تحقیقات می‌گردد. به بیان دیگر، در هر دو نظام، رعایت تشریفات اساسی و تضمین حضور وکیل، نه تنها حق متهم، بلکه شرط مشروعیت تحقیقات و اعتبار ادله محسوب می‌شود.

وجه مشترک پنجم، تقویت نقش مراجع قضایی در رسیدگی به نقض حقوق دفاعی متهم است. در ایران، کمیسیون‌های استانی و ملی جبران خسارت مسئول رسیدگی به ادعای نقض حقوق دفاعی متهم و مطالبه جبران خسارت هستند، در حالی که در فرانسه دیوان عالی کشور و دادگاه‌های تجدیدنظر، مصادیق بطلان تحقیقات را تعیین و اعمال می‌کنند. در هر دو نظام، نقش قضاوت مستقل و نهادهای قضایی در حمایت از حقوق دفاعی متهم و تضمین عدالت کیفری، کاملاً برجسته است.

وجه مشترک ششم و نهای، ارتباط حقوق دفاعی متهم با اصول عمومی حقوق بشر است. در ایران، نقض حقوق دفاعی متهم برخلاف قانون اساسی و استانداردهای حقوق بشر تلقی می‌شود، و در فرانسه، هرچند عدم رعایت تضمینات قراردادی مستقیماً موجب بطلان نمی‌گردد، اما حق توسل به دیوان اروپایی حقوق بشر را برای متهم فراهم می‌آورد. در نتیجه، در هر دو کشور، حقوق دفاعی متهم نه تنها در سطح قوانین داخلی، بلکه در چارچوب تعهدات بین‌المللی و استانداردهای حقوق بشر، مورد حمایت قرار گرفته است.

به طور خلاصه، جهات اشتراک نظام حقوقی ایران و فرانسه در زمینه ضمانت اجرای حقوق دفاعی متهم شامل پذیرش اصول حقوق دفاعی متهم، امکان ابطال تحقیقات در صورت نقض حقوق، حق جبران خسارت بازداشت غیرقانونی، ضرورت رعایت تشریفات قانونی و حضور وکیل، تقویت نقش مراجع قضایی و ارتباط با حقوق بشر است. این اشتراکات نشان‌دهنده تأکید مشترک دو نظام بر حفظ توازن میان منافع عمومی و حقوق فردی، و تضمین عدالت کیفری در تمام مراحل دادرسی، به ویژه تحقیقات مقدماتی، است.

۴-۲ جهات افتراق نظام حقوقی ایران و فرانسه در ضمانت اجرای حقوق دفاعی متهم

با وجود اشتراکات مهم میان نظام‌های حقوقی ایران و فرانسه در حمایت از حقوق دفاعی متهم، تفاوت‌های بنیادینی نیز وجود دارد که ناشی از ماهیت قوانین، رویه قضایی و سنت‌های حقوقی هر کشور است. این تفاوت‌ها را می‌توان در چند محور اصلی مورد بررسی قرار داد:

۱. ماهیت و گستره حقوق دفاعی متهم: در نظام حقوقی ایران، حقوق دفاعی متهم عمدتاً بر پایه قانون اساسی و قوانین داخلی، به ویژه قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، تعریف و تضمین شده است. این حقوق شامل حق داشتن وکیل، اطلاع از اتهام، دسترسی به مدارک پرونده، و برخورداری از فرصت کافی برای دفاع است. در فرانسه، هرچند حقوق دفاعی متهم نیز گسترده است، ولی تأکید ویژه روی تبعیت از تشریفات قانونی دقیق و بطلان تحقیقات است؛ یعنی رعایت تشریفات به خودی خود جزئی از حقوق دفاعی محسوب می‌شود و حتی نقض کوچک آن می‌تواند آثار جدی داشته باشد. در ایران، برخی از موارد نقض تشریفات، اگرچه موجب ابطال تحقیقات نمی‌شوند، اما می‌توانند به عنوان دلیل برای رسیدگی مجدد یا اصلاح رأی دادگاه مورد استفاده قرار گیرند. بنابراین، فرانسه تأکید عملی و رویه‌ای بیشتری بر تشریفات قضایی و اثر مستقیم آن بر حقوق دفاعی دارد.

۲. دسته‌بندی بطلان‌ها و ضمانت اجرای آنها: یکی از تفاوت‌های شاخص، نوع‌بندی و کاربرد بطلان‌ها است. در فرانسه، بطلان‌ها به سه دسته «منصوص یا قانونی»، «ذاتی یا بالقوه» و «مربوط به نظم عمومی» تقسیم شده‌اند و هر دسته با آثار خاص خود، توسط رویه قضایی و دیوان عالی کشور مدیریت می‌شود. در ایران، گرچه بطلان تحقیقات به صورت قانونی و قضایی پیش‌بینی شده، اما تقسیم‌بندی دقیق و جامع همانند فرانسه وجود ندارد و دسته‌بندی بطلان‌ها بیشتر به صورت پراکنده در مواد قانونی و رویه قضایی مشاهده می‌شود. این تفاوت نشان‌دهنده تمرکز فرانسه بر ایجاد چارچوب روشن و علمی برای تضمین حقوق دفاعی و قابلیت پیش‌بینی آثار نقض است، در حالی که در ایران، بطلان‌ها بیشتر تابع نصوص قانونی و تحلیل قضایی هستند.

۳. نحوه جبران خسارت ناشی از بازداشت غیرقانونی: در ایران، جبران خسارت ناشی از بازداشت غیرقانونی مشروط به صدور حکم قطعی براءت یا قرار منع تعقیب است و متهم باید ظرف مدت مشخصی از تاریخ ابلاغ حکم، درخواست خود را به کمیسیون استانی ارائه دهد.

در فرانسه، علاوه بر شرط صدور حکم قطعی، امکان جبران خسارت برای خسارات مادی و معنوی وارد شده به متهم بی‌گناه، با سازوکار قضایی مشخص و حتی در قالب دادگاه‌های تجدیدنظر یا فرجام قابل اعمال است. همچنین در فرانسه، روند جبران خسارت می‌تواند شامل محاکم عمومی یا رسیدگی‌های سریع و کم‌هزینه باشد که در ایران مشابه آن پیش‌بینی نشده است. این تفاوت نشان‌دهنده رویکرد سیستماتیک‌تر فرانسه به جبران خسارات و پیش‌بینی ابزارهای عملیاتی برای متهمان است.

۴. نقش نهادهای قضایی و اداری: در ایران، کمیسیون‌های استانی و ملی جبران خسارت و دادگاه‌های کیفری وظیفه رسیدگی به ادعای نقض حقوق دفاعی متهم و مطالبه جبران خسارت را بر عهده دارند. در فرانسه، دیوان عالی کشور، شعب جنایی و دادگاه‌های تجدیدنظر نقش کلیدی در تعیین مصادیق بطلان، اعمال ضمانت اجرای قضایی و صدور دستور جبران خسارت دارند. تفاوت مهم این است که در فرانسه، دیوان عالی و رویه قضایی نقش فعال و قاعده‌گذار در تعیین مصادیق بطلان و حقوق دفاعی دارند، در حالی که در ایران، نقش نهادهای قضایی بیشتر مبتنی بر رسیدگی به شکایت یا تقاضای متهم است و کمتر نقش پیش‌بینی‌کننده یا قاعده‌گذار دارند.

۵. تأثیر حقوق بین‌الملل و استانداردهای حقوق بشر: در فرانسه، رعایت حقوق متهم با استانداردهای اروپایی حقوق بشر به صورت مستقیم در رویه قضایی و قانون آیین دادرسی کیفری تأثیرگذار است. به عنوان مثال، نقض تضمینات قراردادی یا ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر می‌تواند حق مراجعه به دادگاه‌های بین‌المللی را برای متهم فراهم آورد.

در ایران، هرچند حقوق دفاعی متهم مبتنی بر قانون اساسی و اصول عمومی حقوق بشر است، ولی تأثیر مستقیم حقوق بین‌الملل بر ضمانت اجرای حقوق دفاعی و بطلان تحقیقات محدودتر است و عمدتاً در قالب تفسیر قوانین داخلی و دکترین مورد استفاده قرار می‌گیرد. این تفاوت نشان‌دهنده تفاوت در تلفیق حقوق داخلی با حقوق بین‌الملل و نقش استانداردهای خارجی در قاعده‌گذاری است.

۶. میزان تفکیک حقوق خصوصی و عمومی در بطلان‌ها: در فرانسه، بطلان‌ها به طور دقیق تفکیک شده‌اند؛ بطلان‌های ناشی از لطمه به حقوق فردی متهم و بطلان‌های مربوط به نظم عمومی، هر کدام آثار و ضمانت‌های متفاوتی دارند و می‌توانند بدون نیاز به شکایت متهم نیز اعمال شوند.

در ایران، این تفکیک به صورت رسمی وجود ندارد و معمولاً نقض حقوق دفاعی، اثر خود را از طریق شکایت یا درخواست متهم نشان می‌دهد. این تفاوت نشان‌دهنده تمرکز بیشتر نظام حقوقی فرانسه بر حفاظت از منافع عمومی و ایجاد بستر قانونی مشخص برای پیشگیری از نقض اصول دادرسی است.

نتیجه گیری

بررسی تطبیقی حقوق متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی در قوانین آیین دادرسی کیفری ایران و فرانسه نشان می‌دهد که قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، با الهام از تجربیات و مقررات فرانسه، گام‌های مهمی در جهت تضمین حقوق دفاعی متهمان و رعایت کرامت انسانی برداشته است.

بسیاری از حقوق متهمان در قانون ایران، از جمله حق اطلاع از دستگیری، حق درخواست معاینه پزشکی و حق برخورداری از وکیل، مستقیماً با الهام از نظام حقوقی فرانسه پیش‌بینی شده‌اند. این تطبیق نشان‌دهنده تلاش قانونگذار ایرانی برای همسویی با موازین بین‌المللی حقوق بشر و اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است و تأکیدی بر رعایت دادرسی منصفانه و تضمین حقوق فردی دارد.

با وجود این، برخی حقوق، از جمله حق ملاقات خانواده با متهم، هنوز به صورت کامل در متن قانون آیین دادرسی کیفری ایران نیامده و تنها در آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها پیش‌بینی شده است. اهمیت این حق از آن جهت است که محروم کردن متهم و خانواده‌اش از ملاقات می‌تواند به طور مستقیم بر کرامت انسانی و امکان دفاع مؤثر متهم تأثیرگذار باشد. در قوانین فرانسه، این حق با تعیین ضوابط مشخص و ضمانت اجرایی صریح، از جمله تعیین جرایمی که می‌توانند موجب سلب موقت حق ملاقات شوند و امکان اعتراض متهم، به طور کامل رعایت شده است. این امر نشان می‌دهد که ایران می‌تواند با اقتباس هوشمندانه از الگوی فرانسه، ضمن حفظ استقلال حقوقی و مبانی فکری خود، حقوق ملاقات متهمان و خانواده‌های آنان را به شکل عادلانه‌تر و شفاف‌تر تضمین کند.

حق داشتن وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی، به عنوان مهم‌ترین حق دفاعی متهم، نیز در قانون ایران و فرانسه پیش‌بینی شده است. ایران با فاصله گرفتن از نظام تفتیشی و پلیسی سنتی، برای اولین بار حق ملاقات متهم با وکیل را از ابتدای مرحله تحت نظر فراهم کرده است.

با این حال، برخلاف تحولات اخیر حقوق فرانسه که امکان مطالعه پرونده، مداخله وکیل در بازجویی و طرح سؤالات مؤثر برای کشف حقیقت را فراهم کرده است، قانون ایران هنوز در این زمینه محدودیت‌هایی دارد. این تفاوت می‌تواند موجب شکل‌گیری رویه‌های قضایی متنوع و گاه محدودکننده حقوق دفاعی متهم شود و ضرورت اصلاحات آینده را برجسته می‌کند.

اصل برابری سلاح‌ها میان طرفین دعوا، که در حقوق فرانسه و اسناد بین‌المللی حقوق بشر مورد تأکید است، در قانون ایران نیز رعایت شده است. رعایت این اصل مستلزم تفکیک کامل مقام تحقیق (بازپرس) و مقام پیگرد (دادستان) است تا دادسرا صرفاً به عنوان مقام پیگرد شناخته شود و نه طرف دعوا، و بدین ترتیب امکان برابری میان کنشگران فرآیند کیفری فراهم گردد. این تغییر نشان‌دهنده جهت‌گیری قانونگذار ایران به سمت ایجاد تعادل میان حقوق متهمان و الزامات نظم و امنیت عمومی است.

تحوالات اخیر آیین دادرسی کیفری ایران در چهار محور اصلی قابل بررسی است: ۱) تضمین برابری متهم با سایر طرف‌های دعوا، ۲) حفاظت از آزادی‌های فردی، ۳) تأکید بر اصل برائت و ۴) ارتقای حقوق دفاعی. این جهت‌گیری، نشان‌دهنده تغییر رویکرد از نظام تفتیشی و تمرکز صرف بر کشف حقیقت به سوی نظام ترافی و متوازن است که در آن حقوق متهمان و آزادی‌های فردی به نحو چشمگیری مورد توجه قرار گرفته است.

علاوه بر این، قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با پیش‌بینی ضمانت اجرای قانونی برای نقض حقوق متهمان، گام مهمی در جهت حمایت از حقوق دفاعی برداشته است؛ هرچند هنوز این ضمانت‌ها کافی به نظر نمی‌رسند و کاستی‌هایی در مورد برخورد با تخلفات مأموران و مقامات قضایی مشاهده می‌شود. در مجموع، تطبیق حقوق دفاعی متهم با میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، به همراه رعایت اصول قانون اساسی ایران، نشان‌دهنده تلاش جدی قانونگذار برای تحقق دادرسی عادلانه و منصفانه است.

به‌طور کلی، تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که ایران توانسته است با الهام از نظام حقوقی فرانسه و رعایت استانداردهای بین‌المللی، حقوق متهمان را در مرحله تحقیقات مقدماتی تا حد زیادی تضمین کند و ضمن توسعه برخی حقوق نسبت به قوانین فرانسه، سطح امنیت حقوقی و دفاعی متهمان را ارتقا دهد. با این حال، برای کامل شدن نظام حقوقی و ایجاد هماهنگی بیشتر با تحولات بین‌المللی، اصلاحات و پیش‌بینی‌های دقیق‌تر در مورد حضور وکیل، حق ملاقات خانواده و ضمانت اجرای حقوق متهمان ضروری است. در نتیجه، می‌توان گفت که قانون آیین دادرسی کیفری ایران، با وجود برخی کاستی‌ها، مسیر حرکت به سوی یک نظام کیفری عادلانه، متوازن و منطبق با استانداردهای جهانی را به‌خوبی ترسیم کرده است و می‌تواند به‌عنوان الگویی برای بهبود و توسعه حقوق متهمان در مراحل بعدی دادرسی مورد استفاده قرار گیرد.

پیشنهادهای و راهکارها

بررسی تطبیقی حقوق متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی در ایران و فرانسه نشان می‌دهد که بسیاری از حقوق مدنی و دفاعی متهمان در قانون آیین دادرسی کیفری ایران، از جمله حق اطلاع از دستگیری، حق برخورداری از وکیل، حق درخواست معاینه پزشکی و جبران خسارت ناشی از بازداشت غیرقانونی، از نظام فرانسه الهام گرفته شده است. با این حال، برخی حقوق مانند حق ملاقات خانواده هنوز به‌صورت کامل در متن قانون نیامده و صرفاً در آیین‌نامه‌های اجرایی پیش‌بینی شده‌اند.

با الهام از تجربه فرانسه، ارتقاء ضمانت اجرای حقوق دفاعی متهمان در ایران می‌تواند شامل تصریح و تقویت حقوق متهم در قانون، گسترش و تضمین حق دسترسی به وکیل از ابتدای تحقیقات، تقویت سازوکارهای جبران خسارت، و تبیین دقیق مصادیق بطلان تحقیقات و اقدامات ناقض حقوق دفاعی باشد. همچنین، رعایت اصل برابری سلاح‌ها، هماهنگی با استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر و میثاق‌های مدنی و سیاسی، و آموزش و نظارت بر مقامات قضایی و ضابطان، از دیگر اقدامات ضروری برای تضمین عدالت ترافی است.

علاوه بر این، بازنگری در استثنای امنیتی و محدودیت‌های حقوق متهم باید مشخص، محدود و قابل کنترل قضایی باشد تا هم امنیت جامعه تأمین شود و هم حقوق دفاعی متهمان محترم شمرده شود. چنین اصلاحاتی می‌تواند نظام حقوقی ایران را در راستای استانداردهای بین‌المللی و تجربه عملی فرانسه در حفاظت از حقوق متهمان در تحقیقات مقدماتی تقویت کند.

منابع:

- آشوری، محمد. (۱۳۷۸). نگاهی به حقوق متهم در حقوق اساسی و قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری. مجله مجتمع آموزش عالی قم، سال اول، شماره سوم.
- آشوری، محمد. (۱۳۹۵). آیین دادرسی کیفری (چاپ نوزدهم، ویراست پنجم). تهران: سمت.
- آشوری، محمد، سپهری، روح‌اله. (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی مرحله تحت نظر در آیین دادرسی کیفری ایران و فرانسه. آموزه‌های حقوق کیفری، دوره جدید، ۶.
- باقری‌نژاد، زینب. (۱۳۹۴ ش). اصول آیین دادرسی کیفری. تهران: خرسندی.
- بهمنی قاجار، محمد علی. (۱۳۸۶). دادرسی عادلانه بر پایه قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی. اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ۲۳۹-۲۴۰.
- بهمنی قاجار، محمد علی. (۱۳۸۷). مبانی و سیر تحول حق آزادی و امنیت شخصی. اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ۱۵۲-۲۵۲.
- بوریکان، ژان. (۱۳۹۱). آیین دادرسی کیفری (ترجمه عباس تدین). تهران: خرسندی.
- تدین، عباس. (۱۳۹۲). قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه (چاپ اول). تهران: خرسندی.
- خالقی، علی. (۱۳۹۳). نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری (چاپ سوم). تهران: انتشارات شهردانش.
- خالقی، علی. (۱۳۹۵). آیین دادرسی کیفری (جلد ۱، چاپ سی‌ام). تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- خزائی، منوچهر. (۱۳۶۸). خسارت ناشی از بازداشت موقت. مجله کانون وکلا، ۱۴۸-۱۴۹.
- زراعت، عباس، حاجی‌زاده، حمیدرضا، متولی جعفرآبادی، یاسر. (۱۳۸۸). قانون آیین دادرسی کیفری در نظام حقوق کنونی (چاپ ۳). تهران: انتشارات خط سوم.
- ساقیان، محمدمهدی. (۱۳۹۳). تحولات حق متهم برداشتن وکیل در مرحله تحت نظر در حقوق ایران و فرانسه. مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ۱.
- ساقیان، محمدمهدی. (۱۳۹۳). تقویت حقوق و آزادی‌های متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲. پژوهش حقوق کیفری، ۶.
- سیدفاطمی، سید محمد. (۱۳۹۰). حقوق بشر در جهان معاصر. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- شمس‌ناتری، ابراهیم محمد. (۱۳۸۳). اصل برائت و موارد عدول از آن در حقوق کیفری. مجموعه مقالات علوم جنایی. تهران: سمت.
- قاسمی‌مقدم، حسن. (۱۳۹۴). تفهیم حقوق متهمان از سوی ضابطان دادگستری: با تاکید بر قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲. پژوهشنامه حقوق کیفری، سال ششم، شماره دوم.
- قربان‌نیا، ناصر. (۱۳۸۱). عدالت حقوقی. تهران: مرکز آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- قره‌داغی، حمید. (۱۳۹۶). حقوق بنیادین بشر در نهج‌البلاغه و تطبیق آن با اعلامیه جهانی حقوق بشر، شماره ۲۱.
- منصورآبادی، عباس، فروغی، فضل‌الله. (۱۳۹۶). آیین دادرسی کیفری ۱ (چاپ دوم). تهران: میزان.
- مؤذن‌زادگان، حسنعلی. (۱۳۸۰). نقد و بررسی قرار بازداشت موقت در قانون دادرسی ۱۳۷۸. مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۴.

یزدانیان، محمدرضا. (۱۳۹۴). نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در مورد قرار بازداشت موقت: رویکرد تطبیقی. کارآگاه، سال هشتم، شماره ۳۱.

Berger, V. (2007). *Jurisprudence de la Cour européenne des droits de l'homme* (10th ed.). Paris: Sirey.

Fair Trials International. (2013). *Livret des procédures pénales et droits de la défense*, 12.

Gassain, R. (1995). *La procédure pénale: Bilan des réformes depuis 1993*. In G. Roujou de Boubée (Ed.), 106.

Guinchard, S. (2003). *Droit processuel: Droit commun et droit comparé du procès* (3rd ed.). Paris: Dalloz, 692.

Guinchard, S., & Buisson, J. (2011). *Procédure pénale* (10th ed.). Paris: Lexis Nexis.

Guinchard, S., & Buisson, J. (2012). *Procédure pénale* (8th ed.). Paris: Dalloz.

Louis, E. (2000). *Droit au silence*. Paris: L'Institut des Droits de l'Homme du Barreau de Paris, 141.

Pradel, J. (1995). *La protection de la personne en France depuis les réformes de procédure pénale en 1993*. *Revue Juridique Themis*, 1.

Pradel, J. (2001). *Les personnes suspectes ou poursuivies après la loi du 15 juin 2000*. Paris: Dalloz, N. 14.

Pradel, J. (2006–2007). *Procédure pénale* (13th ed.), 660.

Prowdel, J., Coursetez, G., & Fermelan, G. (1393). *European Council penal law* (M. Ashouri, Trans.). Tehran: Khorsandi Publications.

Soyer, J.-C. (2000). *Droit pénal et procédure pénale* (15th ed.). Paris: LGDJ, 260.

Soyer, J.-C., & de Salvia, M. (1999). *Article 6 – de la CEDH; commentaire article par article* (2nd ed.). Paris.

Sudre, F. (2007). *Les grands arrêts de la Cour européenne des droits de l'homme* (4th ed.). Paris: PUF.

Verges, E. (2011). *Procédure pénale* (5th ed.). Paris: Litec.